

به نام پروردگار مکی

کلان روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار

(۱۲۱۰-۱۲۶۴ هـ. ق)

دکتر محمدامیر احمدزاده

www.ketab.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ هـ. ق.)

مؤلف: دکتر محمدامیر احمدزاده

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: سیاوش صفری

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۶۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: احمدزاده، محمدامیر، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ هـ. ق.) / محمدامیر احمدزاده.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شابک: 978-622-7689-14-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۸۱ - ۳۰۰.

موضوع: تاریخ‌نویسی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.

موضوع: Historiography -- Iran -- History-- 19th century

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: ۹۵۵/۰۰۷۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۳۳۵۳۹

وضعیت رکورد: فیبا

فهرست مطالب

۹

مقدمه

فصل اول: بازتاب مسئله هویت و تبار قاجارها در روایت مورخان ایرانی

۱۹

مقدمه

۲۲

۱. چهارچوب نظری بحث

۲۸

۲. مسئله تبار و هویت قاجارها در آثار مورخان صدر قاجاریه

۳۱

۱.۲. روایت سازوی از هویت قومی قاجارها

۳۲

۲.۲. هویت قومی قاجارها در نگاه دنبلی

۳۳

۳.۲. روایت محمدصادق مروزی از تبار قاجارها

۳۶

۴.۲. رویکرد خاوری به نسب و کنش های ایل قاجار

۳۸

۵.۲. روایت های هویتی اعتضاد السلطنه در اکسیرالتواریخ

۴۱

۶.۲. روایت محمدحسین اورجانی بدایع نگار از هویت قاجارها

۴۴

۷.۲. محمود میرزا قاجار و بازنمایی هویت قاجارها در آثار او

۴۷

۳. هویت ایران محور در روایت های مورخان

۵۲

۴. الگوی هویت سیاسی در روایت پردازی مورخان قاجار

۵۷

۱.۴. بازنمایی هویت جغرافیایی با طرح مرزهای سیاسی جدید در منابع تاریخ نگاری

۶۴

۲.۴. مؤلفه های هویت اجتماعی در تحلیل متون تاریخ نگارانه

۶۴

۱.۲.۴. نسب نامه نویسی و هویت ایلی قاجارها به مثابه طرح هویت اجتماعی آنان

۶۷

۲.۲.۴. عناصر هویت فرهنگی - دینی در متون تاریخ نگاری

۴ کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار

۵. نشانه‌های «تغییر هویت ایرانی» در منابع تاریخ‌نگاری
۱. طرح مفاهیم جدید به منظور تکوین تدریجی هویت نوین فرهنگی - اجتماعی
- ۵.۲ طرح «دیگری هویتی» در روایت مورخان از فرنگستان
- ۵.۳ تشکیل ارتش دائمی راهبردی جدید برای تغییر کارکرد و هویت نظامی ایران
۶. جمع‌بندی

فصل دوم: مسئله مشروعیت و برجستگی آن در اندیشه مورخان

۱. مبانی نظری «مشروعیت»
- ۱.۱ منابع اقتدار
- ۲.۱ انواع اقتدار
- ۳.۱ انواع مشروعیت
۲. مبانی مشروعیت در حکومت قاجاریه
- ۱.۲ مبانی «استیلایی» حق مشروعیت در حکومت‌های قبایلی
- ۲.۲ مبانی «دینی» برای مشروعیت حکومت
- ۳.۲ «میراث کهن ایرانی» و مسئله مشروعیت
- ۴.۲ «رعیت پروری» و مسئله مشروعیت
- ۵.۲ غلبه مشروعیت مبتنی بر «اصالت نسبی و خاندانی» قاجارها در متون تاریخ‌نگاری
۳. گونه‌های مشروعیت در متون تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه
۴. بازتاب مسئله مشروعیت در تواریخ صدر قاجاریه
- ۱.۴ مشروعیت قاجارها در رویکرد رستم‌الحکما؛ از تأیید تا انتقاد از حکومت
- ۲.۴ سازوی و اندیشه سیاسی یک‌جانبه؛ تأکید بر حقانیت تام پادشاهی
- ۳.۴ خاوری شیرازی و نگرش نقادانه و مقایسه‌ای به مسئله سیاست و حکومت
- ۴.۴ عبدالرزاق دنبلی؛ اندیشه سیاسی و طرح راهکار در مناسبات سلطان - رعایا
- ۵.۴ رویکرد میرزا محمدصادق مروزی به اندیشه سیاسی

۴. ۶. محمدحسین بذایع نگار اورجانی و التزام به نگارش تاریخ فتحعلی شاه ۱۳۷
۴. ۷. اندیشه سیاسی اعتضادالسلطنه و روایت عصر محمدشاه ۱۳۹
۴. ۸. جهانگیرمیرزا و روایت الگوی سیاست در تاریخ نو ۱۴۱
۵. جمع بندی ۱۴۲

فصل سوم: مسئله جنگ در روایت مورخان دوره اول قاجاریه

- مقدمه ۱۴۸
۱. رویکردهای اصلی به مسئله جنگ ۱۵۰
 - ۱.۱. تلقی دینی از جنگ ۱۵۰
 - ۲.۱. رویکرد واقع گرا به جنگ ۱۵۲
۲. بازتاب مسئله جنگ در تاریخ نگاری های صدر قاجاریه ۱۵۴
۳. محورهای تاریخ نگاری جنگ ۱۵۸
 ۱. ۳. ترغیب حس میهن پرستی و وطن دوستی ۱۵۸
 ۲. ۳. گرایش به سمبلیسم و نمادگرایی تاریخی ۱۵۹
 ۳. ۳. ارجاع و استناد به متون دینی و مذهبی ۱۵۹
 ۴. ۳. طرح اهداف عالی انسانی در متون تاریخ نگاری ۱۶۰
۴. بازتاب تبیین فاجعه و یادکرد جنگ در آثار مورخان ۱۶۲
 ۱. ۴. عبدالرزاق دنبلی: اصلی ترین راوی رخدادهای جنگ ۱۶۲
 ۲. ۴. روایت مروزی در آهنگ سروش (یادداشت هایی درباره جنگ های ایران و روس) ۱۶۷
۴. ۳. جنگ و سرحدات ایران در روایت خاوری ۱۶۹
۵. تفکیک هویتی بنابه تمایزات فرهنگی و قومی در متون تاریخ نگاری عصر جنگ ۱۷۱
 ۱. ۵. خاطره جمعی و سرنوشت مشترک در عصر جنگ ۱۷۱
 ۲. ۵. کاربست القاب و عناوین ایرانی برای پادشاه قاجار ۱۷۲
 ۳. ۵. آگاه کردن مخاطب از سیاست های استعماری و ضرورت تقابل با آن ۱۸۲
۶. انعکاس حوزه های موضوعی جدید در روایت مورخان دوره اول قاجاریه ۱۸۳

مقدمه

متون تاریخ‌نگاری یکی از میراث‌های فرهنگی هر جامعه‌ای‌اند که می‌توان با زتاب مسائل عصرشان را در روایت‌پردازی آنان یافت. اینکه مسائل کلان و اساسی مطرح‌شده در متون تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه کدام‌اند و چه جایگاهی در رویکرد و روایت‌پردازی مورخان نیمه اول دوره قاجاریه داشته‌اند مسئله نوشتار پیش‌روست. رویکرد تحقیق مبتنی بر تحلیل تاریخی و بازنمایی و تفسیر روایت‌هایی است که به صورت‌بندی جدیدی از روایت مورخان درباره مسائل دوره قاجار کمک می‌کند. آنچه به عنوان دستاورد کلی بحث می‌توان آورد این است که حکومت قاجار همچون هر حکومت نوآرایی در ابتدای عمر خود با بحران هویت و مشروعیت مواجه بوده است. در نتیجه حجم عظیمی از مباحث و روایات مورخان رسمی به این دو مسئله متمرکز شده است. گفتمان هویت به مثابه مسئله عصر تأسیس در تواریخ دوره اول قاجاریه گرچه رنگ و بوی «ایلی - قومی» دارد، به تدریج به سمت هویت سرزمینی ایران باستان و هویت اسلامی با طرح‌میزات خاص هر کدام پیش‌رفته است. علت توجه مورخان به مسئله هویت را می‌توان در اتصال آن به مسئله مشروعیت از یک سو و از سوی دیگر، رویارویی نابرابر با فرنگ مدرنی دانست که متفاوت با اعصار گذشته به تأثیرگذاری یک‌جانبه در جامعه شرق روی آورد. مسئله دیگری که در متون تاریخ‌نگاری رسمی قاجاری انعکاس چشم‌گیری دارد «گفتمان جنگ» است که مورخان با رویکردی عینی و واقع‌گرایانه به

مسئله جنگ‌های مدنی که ایران در برابر روسیه تزاری با آن مواجه شد پرداخته‌اند. مسئله چهارم قابل طرح در متون تاریخ‌نگاری قاجاریه را مناسبات خارجی، قرائت و خوانش از «دیگری قدرتمند فرنگی» و اهمیت مسائل دنیای پیرامونی تشکیل می‌دهد. این رویکرد به تدریج ایران را از الگوی روابط خارجی به سوی اتخاذ یک سیاست خارجی و تشکیل نهادهای مدرن سیاست‌گذار در عرصه مناسبات خارجی به پیش می‌برد و در رویکرد مورخان قاجار با گذر زمان درک نسبتاً روشن‌تری از فرنگ متمدنی و رویه‌های تمدنی - استعماری آن بازتاب یافته است.

تاریخ‌نگاری نیمه اول قرن سیزدهم قمری در ایران عمدتاً متأثر از الگوپردازی نوشتارهای تاریخی از فضای سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی جامعه ایران تحت تسلط قدرت قاجاریه بود. این موضوع در گونه‌شناسی الگوهای تاریخ‌نگاری ایرانی اعم از تاریخ‌های محلی و تاریخ‌های سلسله‌ای، که اغلب معطوف به طرح ارزش‌های قبایلی - ایلی به عنوان الگوی غالب در فرهنگ سیاسی و مناسبات اجتماعی هویت تاریخی است، بازتاب یافته است. اغلب مورخان نیمه اول حکومت قاجاریه، ضمن آگاهی از تحولات دنیای بیرونی و رشد دانش جدید، از تحصیلات سنتی برای نگارش تاریخ برخوردار بودند که این امر موجب شد تاریخ‌نگاری را به مثابه فعل و عملی دیوانی پیگیری کنند تا به عنوان یک دانش و حوزه معرفتی. طبعاً این دیوان‌سالاران ایرانی ضمن علاقه‌مندی به میراث ارجمند فکری - فرهنگی و سیاسی ایران بر آن بودند که تاریخ حکومت قاجارها و ظهور رهبران نظامی - سیاسی آن را در تسلسل و تداوم تاریخی با ادوار کهن و باستانی ایران و سلطنت‌های قدیم ترسیم کنند و بدین ترتیب از ذهنیت تاریخی - اجتماعی خود به عنوان بخشی از جامعه ایران برای تبیین جایگاه و اهمیت پادشاهی جدیدالتأسیس و اتصال الگوی حکمرانی رهبران جدید به پادشاهان ایرانی قدیم بهره بگیرند. بنابراین،

همه اقدامات منشیان و دبیران و اهل دیوان سالاری ایرانی در مقام مورخ و ادیب عبارت است از تأثیرپذیری ناآگاهانه یا آگاهانه از رسالت منشیانه خود برای ثبت تاریخ معاصر زمانه در چهارچوبی اندیشیده. مورخان قاجار هم به خاطر الگوبرداری از سنت تاریخ‌نویسی ماسبق خود یعنی مکتب استرآبادی و هم با توجه به سپری کردن عمر و حرفه در مکتوب‌نویسی منشیانه و ملفوفه‌نویسی دبیران عمدتاً از موضع ادیب و منشی به سنت‌های سیاسی و تاریخی می‌پرداختند که نتیجه آن تولید متون نسبتاً منشیانه با درجه‌هایی از تفاوت در سطح بود. مورخان رسمی قدرت سیاسی قاجار به مانند اغلب هم‌سلکان خود در ادوار پیشین به ثبت تاریخ براساس ارزش‌های فرهنگی و قومی مسلط در زمانه با نظریه کارکردهای تاریخی ثبت وقایع مشغول بودند.

بنابراین، متون تاریخ‌نگاری بخشی از اندیشه سیاسی ادوار گوناگون تاریخ ایران را در بر گرفته‌اند و بخشی از اندیشه سیاسی هر دوره را باید در لفافه متون تاریخ‌نگاری آن جست‌وجو کرد. اهمیت طرح بحث و پرداختن به چنین موضوعاتی از این روست که تاریخ‌نگاری در دوره قاجار از حیث کمی و کیفی متحول و دگرگون شد؛ اولین نشانه‌های تغییر در نثر و سبک نگارش تجلی پیدا کرد، سپس به تدریج دامنه تحول به محتوا و نگرش تاریخ‌نگاران کشیده شد. افق و حیطه تاریخ‌نگاری هم از محدوده جغرافیا و فرهنگ ایران زمین و سرزمین‌های همجوار فراتر رفت و به قلمرو تاریخ جهان بسط یافت. تنوع و تکثر بی‌سابقه‌ای در نوشته‌های تاریخی و مورخان صورت گرفت و نگارش و مطالعه تاریخ از محدوده انحصاری دیوان سالاران ادیب خارج گردید و برخی نویسندگان از این حد هم فراتر رفتند. محتوای مطالب تاریخی را از وصف سرگذشت شاهان و جنگ‌ها به مباحث اجتماعی و اقتصادی گسترش دادند و به نقادی تاریخ‌نگاری سنتی پرداختند. در ادامه، اسلوب و فن تاریخ‌نگاری علمی جدید را پایه‌گذاری کردند و بر درک و فهم فلسفی از تاریخ تأکید

ورزیدند. مسئله تحقیق حاضر بر این مبنا استوار است که بکاود کلان‌روایت‌های موجود در تاریخ‌نگاری دوره اول حکومت قاجاریه کدام‌اند و چه نسبتی با وضعیت سیاسی و فرهنگی جامعه داشته‌اند؟

با تأسیس حکومت قاجار جغرافیای تاریخی ایران، پس از دوره‌هایی از تلاطم ناشی از فقدان حکومت متمرکز، مجدداً از چهارچوب جغرافیایی و ثبات نسبی در قلمرو سرزمینی برخوردار شد و عصر حیات حکومت‌های محلی و منطقه‌ای با شکل‌گیری نظام سیاسی و متمرکز قاجاریه در ایران پایان یافت. تشکیل حکومت متمرکز به بازآفرینی جریان و سنت‌های سیاسی - فرهنگی ایران از جمله توسعه مکتب بازگشت ادبی، توسعه فرهنگی و رشد ساختارهای اداری - سیاسی کمک کرد. به تدریج شاهد آن هستیم که حکومت قاجاریه با توسعه الگوی نظام سیاسی پادشاهی بر مبنای میراث و سنت‌های ایرانی پا گرفت و تحقق چنین مسئله‌ای بر اثر مشارکت فعال و اثرگذار صاحبان قلم و دیوان‌سالاران ایرانی از جمله حاج ابراهیم خان کلانتر و خاندان قائم مقام صورت واقعی به خود گرفت. گرچه این ساختار قدرت سیاسی جدید بر مبنای انتساب به ایل قاجار شکل گرفت، مقدمات و زمینه‌های رشد دبیران و دیوانیان ایرانی را بر اثر تغییر در محتوای ساختار سیاسی و نیز متأثر از تحولات بیرونی عصر مدرن به پیش برد.

در عرصه تاریخ‌نگاری نیز، مؤلفه‌هایی که باعث تغییرات تدریجی در محتوای متون دوره قاجاریه شد عبارت‌اند از ۱. تغییر و تحول تدریجی در بسترهای اجتماعی - فرهنگی ایران دوره قاجار، به گونه‌ای که ایران از جامعه‌ای دینی و سنتی که تداوم اندیشه‌ها و علایق عصر صفویه را در خود داشت به سوی جامعه‌ای در حال گذار و تحول پیش رفت. هر چند زمینه‌های وقوع این تحول امری درونی و برآیند سیر طبیعی تغییرات درون‌زا در ایران نبود، تداوم این روند سبب شد تاریخ‌نگاری از الگوی اندیشه تقدیرگرایانه، هزاره‌گرایی و

سده‌گرایی به سمت تاریخ‌نگاری عینی و واقع‌گرایانه پیش برود. اگرچه برخی قالب‌های کلان‌روایت موجود در منابع تاریخ‌نگاری از جمله پارادایم مسلط سیاست‌نگاری در منابع تاریخ‌نگاری تغییری در رویکرد و محتوای خود نداد، موضوعات سیاسی و مسائل اهل قدرت و سیاست به مثابه واحد مطالعه و مسئله در تاریخ با نگرش‌های دیگری نیز مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت.

۲. توسعه تاریخ‌نویسی محلی و سلسله‌ای در راستای ثبت مسائل و موضوعات جدید قرن سیزدهم قمری و رشد خودآگاهی مورخان از ماهیت تحولات دنیای بیرونی. ۳. طرح موضوعات جدید بر مبنای الگوبذیری از سنت‌های نوشتاری موجود در تاریخ‌های نو. ۴. گرایش به ساده‌نویسی در متن بر مبنای تحولات صنعت چاپ و بسط مخاطبان. در حقیقت، این تغییرات در بسترهای اجتماعی و جغرافیای فرهنگی بازتاب خود را در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار داشته است و این امر خود متأثر از تغییرات کلان در عرصه‌های ساختار سیاسی و زندگی فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران بود.

این پژوهش براساس روش تحلیل تاریخی و پیرنفسیر متون تاریخ‌نگاری صدر قاجاریه صورت گرفته است؛ بدین منظور، ابتدا وقایع و رخدادها را بررسی می‌کند و در مرحله بالاتر با روش تحلیلی به ارزیابی مباحث و مسائل موردتوجه مورخان این برهه می‌پردازد و سپس براساس روش تحلیل محتوا، کشف و بررسی کلان‌روایت‌ها و مسائل مدنظر مورخان دوره قاجار موردتوجه قرار می‌گیرد.

تاکنون درباره مسئله پژوهش حاضر تحقیقی انجام نشده است. اما مهم‌ترین تحقیقی که درباره تاریخ‌نگاری دوره قاجار منتشر شده کتاب تدویم و تحول در تاریخ‌نویسی دوره قاجار از عباس قدیمی قیداری است که به بررسی تاریخ‌نویسی قاجار از تأسیس تا سقوط آن پرداخته است. مهم‌ترین تفاوت‌های روش کار این تحقیق با کار آقای قدیمی قیداری تفاوت روش شناختی و تفاوت در حوزه و قلمرو موضوعی مباحثی است که به آن پرداخته شده است. دکتر

قدیمی با بررسی از تاریخ ایران به برهه زمانی از ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ قمری پرداخته است. لازمه نگارش کاری با این گستردگی این بوده که عمدتاً با نگاهی پیرامونی درباره تاریخ‌نویسی‌ها سخن بگویند و در حقیقت «درباره»ی تاریخ‌نگاری‌ها سخن گفته تا «از» محتوای این متون. در اثر دکتر قدیمی شده اجزایی از مباحث ارزشمند مطرح شود که در کار این جانب استفاده شده است. لازم به ذکر است، در منبع‌شناسی پژوهش نیز از مباحث دکتر قدیمی استفاده شده است، اما به اصل منبع نیز مراجعه کرده‌ام. از سوی دیگر، روش در این پژوهش با تأکید بر استخراج کلان‌روایت‌ها و طرح مسائل اصلی در تاریخ‌نگاری قاجار از تاسیس تا پایان حکومت محمدشاه است که این الگوی مطرح‌شده در زمینه فوق‌الذکر نیست.

غلامحسین زرگری‌نژاد در چندین مقاله و نیز در کتاب *عصر آقامحمدخان* به مسائل مهم تاریخ‌نگاری و حوادث تاریخی دوره قاجار به خوبی پرداخته است. اهمیت آثار ایشان در قدرت تحلیل عمیق، شناسایی دقیق منابع خطی و چاپی و ارزیابی و نقد منابع در کنار تخصص و سیال‌ها تحقیق درباره دوره قاجار است. تفاوت این کار با تحقیقات دکتر زرگری‌نژاد در این است که تحقیقات ایشان حول محور متغیر تاریخ سیاسی می‌چرخد، حال آنکه متغیر کار بنده تمرکز بر مباحث تاریخ‌نگاری و کلان‌روایت‌های مطرح‌شده در آن است.

در *چیستان قاجار*، تألیف محسن خلیلی استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، مؤلف علی‌رغم رویکرد برون‌دانشی به دانش تاریخ با مراجعه به منابع دست‌اول تاریخ‌نگاری قاجاریه به خوانش روایت‌های هویتی از آنان پرداخته است. اما مسئله او صرفاً هویت بوده و در بررسی منابع دوره اول قاجاریه تنها چهار منبع را بررسی کرده است.

مقالات متعددی هم در آثار و نوشته‌های ناصر تکمیل همایون وجود دارد که بررسی موردی برخی مورخان تا بررسی تاریخ‌نگاری‌های قاجاریه در پرتو

تاریخ ایران قرن سیزدهم قمری را در بر می گیرد؛ دو مجموعه تالیفی ایشان به نام های *خاستگاه تاریخی ایل قاجار* و *آغاز فرمانروایی هر کدام* مبتنی بر منابع دست اول و با شناخت دقیق از تاریخ این دوره به رشته تحریر درآمده اند. تحقیقات دیگری هم در زمینه تاریخ نگاری قاجاریه در داخل و خارج از ایران نوشته شده است که حائز اهمیت هستند و مورد استفاده قرار گرفته اند، اما بررسی آن ها در این مجال نمی گنجد.

متون تاریخ نگاری ایران از حیث پایگاه اجتماعی مورخ، موضع گیری ها، روش های گزینش و ثبت رخدادها در ذیل منابع تاریخ رسمی و دولتی قرار می گیرند. این امر باعث طرح ویژگی ها و نواقصی در متون یادشده می شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر بیست منبع دست اول تاریخ نگاری قاجاریه از عصر تأسیس تا پایان دوره محمد شاه انجام شده است. این منابع عبارت اند از:

رستم التواریخ، محمد هاشم آصفی، *رستم الحکما*، تصحیح محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.

تاریخ ذوالقرنین، میرزا فضل الله خاوری شیرازی، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۸۰.

مآثر سلطانیه، عبدالرزاق دنبلی، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۳.

تاریخ محمدی (احسن التواریخ)، ملا محمد فتح الله بن محمد تقی ساروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.

تاریخ طلوع قاجاریه، امام قلی میرزا قاجار، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۰۹۱۴.

گلستان ارم (تاریخ قفقاز)، عباسقلی آقا باکی خانوف، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.

تاریخ فتحعلی شاه قاجار، محمد حسین اورجانی (بدایع نگار)، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شماره ۴۲۵۹.